



۲۰۱۶/۰۳/۱۲

غ. حضرت از شهر مکه

صدای مرا از رادیو عشق آباد می شنوید

قبل از اینکه به پخش برنامه خویش بپردازم باید یکی دو نکته را به عرض شنوندگان عزیز (خوانندگان) برسانم، نکته اول اینکه آنده از شنوندگان که به معنویت و خدا و پیغمبر اعتقاد ندارند جداً خواهش میشود که وقت گرانبهای خود را با شنیدن این برنامه ضایع نکند و نکته دوم اینکه مهم نیست فهمیده شود که این صدا از حجره کدام غل بیرون می آید بلکه مهم اینست که تشخیص داده شود که چه گل را می افشانند ، نکته سوم اینکه چون ارسال این نوشته از شهر مکه به علت عدم وجود اینترنت عمومی یعنی WI FI مشکل و حتی نا ممکن بود بناً آنرا از کشور سویدن جهت پخش، ارسال نمودم.

همین لحظه که با شما صحبت می کنم شاید هزاران کانال رادیویی دیگری در پیرامون ما فعال باشند ولی بسیاری آنها در مورد اشک و اشک صحبت می کنند و از عشق و مشق خبر نیست چه زیبا که چند لحظه از این خبر های عشقی نیز بشنویم تا بر عشق ورزی ما افزوده گردد. امروز ما هزاران خبر گوناگون را از طریق هزاران ایستگاه های رادیویی می شنویم که هر رادیو ادعا می کند که خبر داغ و تازه و مهم را عرضه میدارد اما فراموش نموده اند بگویند که بزرگترین و مهمترین و داغ ترین خبر اینست که از کجا آمده ایم و به کجا می رویم.

یکهزار ده هزار صد هزار یک میلیون ده میلیون یا صد میلیون سال پیش انسان خلق شد به فرموده قرآنی از گل یا به فرموده داروینی از یک حجره و سلول، مهم نیست، مهم اینست که قبول گردد (البته قبول میگردد) که به اراده و خواست خود آفریده نشده که حتی نام گذاری مدنی اش نیز به اراده و خواست خویش صورت نگرفته چه رسد به خلقت اش ، این یعنی اینکه به اراده یک قدرت دیگر خلق گردیده. انسان بعد از طی نمودن مراحل گوناگون خلقت رسید به مقام (ما) و به مقام مکلفیت و مسئولیت و زندگی اجتماعی. انسان در پهلوی تأمین زندگی حیوانی (حیات مادی) دارای زندگی معنوی نیز شد، هر جامعه کوچک و بزرگ انسانی به وجود رب معتقد شد البته با شیوه ها و طریق مختلف. از خالق یکتا گرفته تا ماه و آفتاب و بُت سنگی و سایر اشیاء را به عنوان معبود خود بر گزید و آنرا عبادت می کرد تا رسید به دوران بعثت پیامبران در مقاطع مختلف [تاریخی. پیامبران](#) اشخاص صالح و امانتدار بودند که فقط خواهان هدایت بشر بودند.

یکی ازین پیامبران اولوالعزم ابراهیم نام داشت، متولد منطقه بین النهرین (عراق امروزی) بود، با مأموریتیکه بر عهده اش گذاشته شد رهسپار سرزمین حجاز گردید. در چهل و چند کیلو متری شرق دریای سرخ منطقه قرار دارد بنام مکه. سیدنا ابراهیم در مکه مأمور اعمار یک خانه مکعب شکل گردید که به نام کعبه مسمی گردید و بعداً در نزد پیروان ابراهیمی از تقدس خاص برخوردار گردید. یادآوری این نکته خالی از توجه نخواهد بود که بسیاری از پیروان پیامبران، بعد از فوت پیامبران، دچار انحراف و انحطاط عقیدتی می شدند، در بین همه پیامبران و پیروانش فقط دین پیامبر اسلام و پیروانش از انحطاط و انحراف عقیدتی مصئون مانده اند البته باید بین انحطاط و اختلاف، تفاوت قائل شد.

بعد از سپری شدن صد ها سال، باشندگان مکه با استفاده از تقدس کعبه، افکار و عقاید انحرافی که آلوده به بُت پرستی بودند گسترش داده و به زعم خود بر تقدس کعبه افزودند. وجود کعبه و وجود چشمه آب (زمزم) باعث رونق

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولۍ

گرفتن شهر مکه گردید و از اکناف و اطراف حجاز و حتی نقاط دور زائرین بسیاری عازم این شهر میگردد. در مورد آب زمزم گفته میشود که این آب دارای مشخصه‌ علیحده میباشد یعنی با آب چشمه‌های دیگر تفاوت ماهوی دارد و میتواند در یک ظرف مناسب تا ده سال نگهداری شود بدون اینکه در کیفیتش تغییر ایجاد شود که آب‌های سایر چشمه‌ها فاقد این خصیصه می‌باشد.

در شهر مکه و اطراف آن اقوام و طوائف زیادی زندگی میکردند که بزرگترین آنها قوم قریش بود.

مردم این سرزمین از نظر فرهنگی دارای ادبیات بلند توأم با فصاحت و بلاغت کم نظیر بودند ولی از نظر اخلاقی و اجتماعی مردمان سخت متعصب و قوم پرست و نژاد پرست و جنگجو و ماجراجو بودند که معمولاً در تاریکی جهالت و خود پرستی و بُت پرستی (خصوصاً بُت پرستی درونی) بسر می‌بردند که این امر بهانه‌ شد برای درخشش آفتاب نور و هدایت.

در سال ۶۲۱ میلادی در فاصله سه صد متری سمت جنوب کعبه کودک متولد شد بنام محمد یا احمد (ستوده و بسیار ستوده).

محمد یک پدیده مجرد و تصادفی نبود بلکه ایشان یک انتخاب ازلی بود که از سوی خداوند برای رحمت و هدایت بشر قرون وسطی و قرون بعدی و حتی قرن بیست و یک اتخاذ گردیده بود. محمد در عُمر چهل سالگی به نبوت مبعوث گردید و رسالت سنگین خویشرا با امانتداری تام آغاز و با امانتداری تام انجام نمود. تمام خوبی‌ها و زیبایی‌های ادیان پیشین آسمانی و غیر آسمانی در قالب قرآن جمع و بر قلب نظیف این مرد بزرگ نازل گردید. مخاطب ارشادات قرآن نه عرب بود نه عجم نه قریش نه یک قوم مشخص دیگر بلکه مخاطب قرآن تمام عالمیان بوده و میباشد.

صفات بلند و انسانی و خُلق عظیم محمد و همچنین جذابیت و کلام گیرای قرآن باعث گردید که نه تنها قلوب و افکار مردم مکه و حجاز رام و فتح گردند بلکه این عملیات فتح با سرعت زیاد بسیاری از سرزمین‌های دور و نزدیک در بر گرفت. و اما محمد کیست؟

محمد نماینده و سفیر انسانیت هست نزد ملکوت اعلی و همچنین نماینده و سفیر ملکوت اعلی هست نزد دربار انسانیت.

محمد مأمور و رسول بلند نمودن مقام شامخ انسانیت میباشد توسط خود انسان. محمد بشارت دهنده زندگی زیبای دنیوی و اخروی بشر میباشد. محمد کسی هست که برای ارتقای جایگاه انسان که همانا بهشت ابدی میباشد، اشک‌های التماس ریخته، محمد کسی است که بشر را با فطرت خویش آشتی داده. محمد کسی است که هر وجیزه توصیه و آرزویش، موجب حیرت و تحسین و احترام بزرگترین فلاسفه و دانشمندان جهان (حتی غیر مؤمن) شده. محمد کسی است که اگر فقط یک حرفش امروز عملی گردد، خون ریزی و نفرت، جای خود را به صلح و صفا خواهد بخشید. بالأخره اگر کسی قبول می‌کند یا نه می‌کند محمد کسی هست که بشریت قرن بیست و یک و بیست و دو بخصوص دانشمندان آنها دانشمندان علوم طبیعی، نام زیبای وی را هر روز تحسین خواهد نمود و بر وی درود خواهد فرستاد.

متأسفانه دوستان نادان این مرد بزرگ، همانگونه که شاید و باید قدر و منزلت این پیامبر نور و رحمت را ندانسته و با تفاسیر و تعبیر غلط خود دین و روش ایشان را با کدورت مواجه ساخته و بنام انجام فعل سنت، اصول را زیر پا گذاشته و فروع را مقدم میدانند، مثلاً سنت مؤکد محمد این بود که همیشه تأکید و توصیه می‌کرد که با همسر و اولاد و پدر و مادر و دوست و همسایه و استاد و خلاصه هر کس نیکی کنید و از از حیوان آزاری و زدن بی رویه درختان اجتناب کنید، ولی امروز بعضی پیروان پُرمدعا و جاهل ایشان (که بدون شک از سوی جهان خواران استعمارگر

د پانوی شمیره: له 2 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

استخدام شده اند) از قبیل سلفی و وهابی و تکفیری و طالب و غیره سنت محمدی را فقط با داشتن ریش منحصر نموده که این خود شک و تردید در مورد عقاید این گروه‌ها را بر می‌انگیزد و اینها از جواب دادن این سؤال نیز شانه خالی می‌کنند که اولاً، تراشیدن ریش بعد از انقلاب صنعتی باب و مُد شد و قبل از آن اصلاً در هیچ جای دنیا و هیچ مقطع تاریخی مرسوم نبود، و ثانیاً کدام طیف ریش مورد نظر اینها می‌باشد، آیا ریش سیاف، آیا ریش گیلانی، آیا ریش صبغت‌الله، آیا ریش فضل‌الرحمن پنجابی، آیا ریش مفتی الازهر، آیا ریش بن لادن، آیا ریش شاه سعودی، و هذالقیاس چگونه دستار و عمامه.

چون محمد مثل و مفسر بزرگ قرآن بوده بناً ایشان را باید فقط از روی قرآن شناخت نه از روی بخاری بخاری و اشخاص همچو و امثالش، بنا برین پیروی از سنت پیامبر در پیروی از قرآن متجلی می‌گردد، این قرآن است که به ما دستور میدهد که دنیا و دین خود را چگونه تأمین کنیم، البته ارشادات نبوی نیز بر مبنای ارشادات قرآنی استوار می‌باشند و اگر هر حدیث نبوی ای که خلاف قرآن و خلاف عقل و خلاف اقتضای زمانه باشد، آن حدیث غیر صحیح و غیر معتبر می‌باشد هر چند در صحاح شش‌گانه درج باشد و اما قرآن چیست؟ قرآن کلام ربوبی می‌باشد (که هیچ شک و شبهه و ملاحظه در مورد آن جائز نمی‌باشد) که بر قلب پاک پیغمبر جهت ارشاد و هدایت ناس (مردم) نازل شده، این قرآن نه قابل تحریف می‌باشد و نه قابل اِمحاء، تا دنیا هست مؤمن وجود خواهد داشت و تا مؤمن هست این قرآن وجود خواهد داشت.

پیام قرآن چیست؟ اینست؛

(اسم من الله می‌باشد، صفت من "لیس کمثله شیء" می‌باشد. من واجب الوجود می‌باشم. همه موجودات منجمله انسان را من خلق نموده‌ام، از اتوم تا کهکشانها را من نظم بخشیده‌ام، انسان را یک مخلوق زیبا آفریده‌ام و به آن علم و فضیلت بخشیده‌ام، زمین و آفتاب و ماه و بحر و بر را در خدمت و تسخیرش قرار داده‌ام، به وی مکلفیت و ابدیت و مسئولیت بخشیده‌ام، هر که از فحشا و ظلم و قتل عمد و دروغ و خیانت و دزدی و توطئه و دسیسه و تکبر و نژاد پرستی و اعمال زشت اجتناب نماید و هر که کارهای نیک انجام دهد، در بهشت برین منعم خواهد گردید و بس)

چون هر مکتب و هر تفکر اجتماعی و هر مذهب و دین (ولو خوب) از خود دشمنان دارد و دین محمدی نیز ازین قاعده استثنی نبود و نیست ولی با اینهمه این دین چون با فطرت آدمی زاد سازگار می‌باشد در اسرع وقت گسترش یافت و در کمتر از نیم قرن تا جنوب آسیا و شمال آفریقا نفوذ یافت و توده‌های عظیم مردم به این دین جدید که مکمل ادیان پیشین بود، گرویدند و اگر فتنه یازده سپتمبر به وقوع نه پیوست این دین در غرب توجه آدم‌های پاک طینت را بیشتر بسوی خود جلب می‌کرد، البته با اطمینان میتوان میگفت که آنروز زود یا دیر آمدنی است که ایمان و علم با صمیمیت خاص هم آغوش شوند و دنیا را فتح کند.

بر می‌گردیم به بیان زیبایی کعبه. انجام همه واجبات دین زیبا می‌باشند اما طواف کعبه دارای کیفیت دیگری می‌باشد. زمانیکه کسی این منظره زیبا را از نزدیک مشاهده می‌کند به یاد بزرگی خلقت می‌افتد. سیاه و سفید و زرد و مرد و زن و پیر و جوان همچو پروانه بر چراغ حقیقت می‌چرخند با لباس یکسان و با قلب آکنده از عشق و بیم امید.

در صحن طواف، انرژی منفی و فمینیسم و مردسالاری و تکبر جاه و جلال و ثروت و مقام و خلاصه هر داشته‌مادی محبوس و عقیم اند، طواف بر کعبه تداعی کننده مکعب درونی انسان نیز می‌باشد. انسان در درون خود نیز دارای یک کعبه (مکعب) می‌باشد، این مکعب عبارت از شعور و تفکر و علم و عقل می‌باشد که عقل مهمترین ضلع این مکعب را تشکیل می‌دهد. عقل حکم می‌کند که اگر خداوند اینقدر قدرت دارد که انسان و سایر موجودات را از هیچ آفریده

د پانوی شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولی

و زیبایی ها را آفریده پس دارای این قدرت بیکران نیز می باشد که به انسان زندگی دوباره توأم با زیبایی و جنت اعطا نماید.

جالب اینجاست آنهاییکه از روی فرهنگ تنگ نظری زن های خود را در کوچه و بازار وادار به استعمال برقع و چادر و لباس فلاقلی می کند اجازه ندارند که زنهایشان در حین طواف از برقع استفاده کنند، دست و روی و پا باید پوشیده نباشند.

بهر حال، دین و معنویت (هر دینیکه باشد) با انسان کمک می کند که روح و روان آدمی صیقل و از کار های زشت اجتناب کند، بخصوص دین اسلام با صرف نظر ازینکه امروز بطور عمدی درگیر مسائل حساس سیاسی و اقتصادی گردیده، یک دین بسیار زیبا و مفید و لطیف و نظیف میباشد، پانزده قرن این دین در همین منطقه دارای قدرت مطلق بود ولی حتی یک نفر غیر مسلمان بخاطر دین و عقیده اش مورد اذیت و آزار قرار نگرفته ولی امروز جوی های خون در همین منطقه جاری میباشد که تشخیص این امر بر دوش ضلع مهم کعبه درونی (عقل) میباشد.

اگر قرار بر این باشد که هر باشنده این گره خاکی حق انتخاب و حفظ دین و فرهنگ خود داشته باشد پس مسلمان نیز حق دارد که در ترویج و تعمیم و تحکیم و تحفظ دین خود بپردازد، لبرالیزم غربی حق ندارد با بی شرمی و بی حیائی تام به تخریب و توهین این دین بزرگ آسمانی ادامه بدهد. اگر دین مانع پیشرفت جامعه بشری پنداشته شود پس این میلیارد ها دلار چرا بخاطر ترویج سایر ادیان به مصرف میرسند؟ رهبرانیکه امروز با بی شرمی و بدون اینکه خجالت بکشند، در پارلمان کشور خود ضمن توهین به دین اسلام طعنه های ابلهانه و شیطان گونه حواله می کنند ولی فراموش کرده که تا همین شصت سال پیش میلیون ها یهودی را زنده سوختاندند و میلیون ها انسان بیچاره اروپائی را از هستی محو نمودند و یا سردمداران دموکراسی های بزرگ! منجمله فرانسه امروز نشان اعلی کشور خود بر سنه نا پاک دشمنان دموکراسی و قاتلان کودکان یمن و تمویل کنندگان تروریستهای پلید سوریه و نظامیان خبیث پاکستان، آویزان می کند و از آنها تجلیل بعمل می آورند .

عرض بنده اینست که بیائیم از ملا نه بلکه از داکتر طب پیرسیم که آیا روزه گرفتن مفید است یا مضر، از روانشناس ورزیده پیرسیم که اعتقاد به خدا و پیغمبر و معاد برای سلامتی روح و روان مفید است یا مضر، از متخصص جمناسطیک پیرسیم که آیا نماز خواندن برای بهبودی وضع عضلات مفید است یا مضر، از جامع شناس پیرسیم که آیا پرداخت زکات به دولت یا افراد فقیر مفید است یا مضر، از یک استاد اخلاق پیرسیم که آیا صدقه دادن مال و زبان و جوارح و همچنین سیرت نیک در مقابل همسر و پدر و مادر و خواهر و همسایه و آشنا و دوست مفید است یا مضر. اگر جواب اینها منفی بود که هیچ، و اگر جواب اینها مثبت بود یعنی بر مثبت بودن این امورات تأکید داشتند پس سوگند به همه خوبی ها که این دین به این می ارزد که با سالم نگهداشتن عقیده خود، خوشبختی ابدی را کمائی **کنیم.البته** این دین با ترک کردن دنیا سخت مخالف میباشد بنأ هم میشود یک داکتر فزیک اتمی بود و هم میتوان به توحید و نبوت و معاد معتقد بود و نماز خواند و روزه گرفت و ذکاة داد و سایر اعمال نیک انجام داد.

فقط می خواهم یکی دو مورد قیاس بین ایمان و بی ایمانی را به عرض برسانم.

در جوامع مدنی اگر کسی مورد توهین و تبعیض نژادی و قومی و جنسیتی قرار بگیرد، با پشتیبانی قانون میتواند توهین کننده را به محاکمه بکشاند و حصول غرامت یا اعاده حیثیت کند، ولی در قوانین محمدی، مسئله به این پیچیدگی نیست، بسیار ساده حل میشود، در حریم عقیدوی محمد اگر یک کسی فقط در دل و خاطر خود تصور کند که نژاد و نسب و قوم و جنسیتش نسبت به فلان کس برتری دارد، مستقیماً و بدون هیچ ملاحظه از دایره ایمان خارج و مستحق مجازات جهنم میباشد، بلی به این سادگی و به این سرعت.

د پانو شمیره: له 4 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلو. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

در جوامع مدنی، عبور از چراغ سُرخ یک جرم بزرگ ترافیکی محسوب میشود که مجازات نقدی یا زندان را در بر خواهد داشت ولی عدم عبور از چراغ سُرخ، نیکی و خوبی محسوب نه میگردد بلکه یک وجبیه و مکلفیت اجتماعی و قانونی میباشد اما در قانون محمدی هم عبور از چراغ سُرخ قابل مجازات میباشد و هم عدم عبور و توقف به چراغ سُرخ قابل مکافات میباشد.

یعنی رحمت این دین اینقدر وسیع میباشد که انجام یک وجبیه معمولی نیز مشمول مکافات و اجر و پاداش میباشد یعنی اینکه اگر احیاناً کسی از چراغ سُرخ عبور نمود مجازاتش جیب کسی را بالکُل خالی نه میکند زیرا از بابت توقف به چراغ سُرخ، حساب پس اندازش کفاف پرداخت مجازاتش را می کند.

در جوامع مدنی، کلیسایا بُت خانه یا گاؤ پرستی جایگاه خود دارد، نمیشود در دیپارتمنت فزیک یا بیولوژی ناقوس کلیسا را به صدا درآورد و یا گاؤ و بُت را پرستید (البته وجود گاؤ در دیپارتمنت بیولوژی خطرناک بنظر میرسد) ولی یک مسلمان میتواند ضمن درس خواندن یا تدریس بیولوژی با مشاهدات خلقت خداوندی به آبیاری ریشه های ایمان خود نیز پردازد و حتی در گوشه از اطاق یا کمی آنطرفتر نماز بخواند.

در جوامع مدنی بعضاً جنجال بر سر سرنوشت اجتماعی زن برپا میشود و بعضی فرهنگ ها و ادیان به علت پامال کردن حقوق زن مورد اتهام و توهین قرار گرفته اما در دین محمدی ماجرا ازین قرار است که زن همچو مرد مکلف به انجام واجبات میباشد که این یعنی مستحق دانستن زن به جنت برین.

بهر حال یک مسلمان ضرورت ندارد هر روز فریاد بکشد که اسلام دین صلح و برابری است، چنانچه یک مغازه دار ضرورت ندارد هر روز سند مالکیت مغازه خود را به شاروالی نشان دهد، این یک امر بدیهی است که همه ادیان منجمله دین اسلام دین صلح طلب میباشد، آنچه امروز بنام دین اسلام انجام می گیرد ریشه در جای دیگری دارد، و این حقیقت روزی برملا خواهد شد که چه دستهای پشت سر این فجایع قرار دارند، بنا برین هر که خود را مسلمان و بنی آدم میدانند نه اینکه به خشونت رو آورد بلکه از خشونت بیزاری جوید و تا میتواند طالب و داعش و تکفیری را رد و تقبیح کند.

و اما نکات چند در مورد مردم عربستان سعودی؛

مردم بومی سعودی بیسواد ترین و خشک مزاج ترین مردم شرق میانه میباشد. از شاه گرفته تا مُلا فقط انسان اند، از آدمیت کمی بدور اند. جالب است بدانید مفتی های سعودی بدون استثنی منکر حرکت زمین میباشدند، البته ملامت نیستند بسیاری شان نابینا اند. ساکنین اصلی سعودی مردم بسیار استثمار گر و در عین حال مذهبی منجمد اند. میلیون ها خارجی را با بسیار بی رحمی استثمار می کنند، هیچ خارجی حق داشتن مالکیت شخصی ندارد، هر که هر چه دارد از قبیل مغازه و شرکت و خانه، بطور رسمی بنام یک تبعه سعودی ثبت میباشد و این تبعه سعودی از بابت این ثبت، ماهانه از صاحب صوری آن وجه معین را دریافت میدارد. از دموکراسی و حقوق بشر اصلاً خبری نیست. هسته مرکزی و هابیزم بودجه مستقل از دولت دریافت می کند تا در نقاط مختلف دنیا به فتنه انگیزی مذهبی مصرف کنند.

هر سال میلیون ها زائر از سراسر دنیا جهت انجام حج یا عمره به آنجا تشریف می برند ولی امکانات معیشتی همانگونه که شاید و باید مهیا نمیشاند، پاکترین و مقدس ترین مکانها را بنام نازیبای حکام فاسد گذشته، نامگذاری نموده اند.

خُلاصه، نگین زیبای آلماس است در دست آهنگر. پایان

د پاپو شمیره: له 5 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

د پانډو شمېره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ